

خرده فرهنگی در میان علاقه‌مندان ورزش

منبع: روزنامه شرق، روز چهارشنبه، مورخ: ۹۲/۹/۲۷

ایامی که دبیرستان بودم، اخبار ورزشی را، خصوصاً ورزش فوتبال که به آن علاقه وافری داشتم، دنبال می‌کردم؛ اما حدوداً بیست سالی می‌شود که کمتر از اخبار رشته فوتبال مطلع می‌شوم؛ مگر اخبار جام جهانی فوتبال یا حواشی این رشته ورزشی پر طرفدار در سراسر دنیا که در برخی از موارد، سوبه‌های اجتماعی و سیاسی هم پیدا می‌کند و توجه غیر فوتبالی‌ها را نیز به خود جلب می‌کند. هفته پیش، پس از مراسم قرعه‌کشی جام جهانی سال ۲۰۱۴، ایران با کشور آرژانتین هم‌گروه شد. چنانکه در اخبار هم آمد، گروهی از هموطنان ما که در شبکه اجتماعی فیس‌بوک فعالیت می‌کنند، به صفحه لیونل مسی، بازیگر محبوب مشهور آرژانتینی در فیس‌بوک مراجعه کرده، به او اهانت کرده و سخنان تندی در ذیل صفحه او نوشتند. همچنین جماعتی ذیل صفحه فیس‌بوک خانم مجری مراسم قرعه‌کشی، تعابیر موهن و رکیکی نوشتند.

روشن است که این اقدامات، دل‌آزار و نافی‌پاسداشت کرامت انسانی است و فرو نهادنی. من نیز نظیر کثیری از ایرانیان، از چنین رفتاری عمیقاً تأسف خوردم و غمگین شدم. کاش چنین رفتارهای خلاف عرف و اخلاق، در میان ما کمینه شود و مدارا کردن با دیگر انسانها در میان ما قدر بیند و بر صدر نشیند. در عین حال باید به این نکته نیز توجه داشت که چنین رفتارهایی منحصر به برخی از ایرانیان نیست و در دیگر جوامع نیز دیده می‌شود. در کشور کانادا که من چند سالی است در آن زندگی می‌کنم، ورزش «هاکی روی یخ» علاقه‌مندان فراوانی در سراسر کشور دارد. اوایل دوران اقامتم، وقتی صحنه‌هایی در تلویزیون می‌دیدم که در آن بازیکنان هاکی با یکدیگر به طور جدی گلاویز می‌شدند و داور و دیگر بازیگران دو تیم، نظاره‌گر این نزاع بودند و تماشاچیان نیز ایشان را تشویق می‌کردند، حیرت می‌کردم. روزی در منزل دوستی، با مشاهده چنین صحنه‌ای در تلویزیون، با لحنی توأم با تعجب و اعتراض پرسیدم: چرا کسی این دو نفر را از هم جدا نمی‌کند؟ میزبان در پاسخ من گفت، این گلاویز شدن و دعوا کردن جدی که با جراحات بدن بازیکنان و اخراج ایشان از زمین پس از اتمام دعوا همراه است، بخشی از هیجان بازی هاکی روی یخ است و عده‌ای صرفاً به خاطر دیدن این صحنه‌ها به تماشای

بازی می روند. باور این امر برایم سخت بود، اما با مشاهده موارد متعدد، قانع شدم که اینچنین است و عده‌ای از دیدن صحنه‌های مشحون از خشونت لذت می‌برند و آنرا خوش می‌دارند. در استادیوم‌های فوتبال نیز، در انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی، خشونت‌های گفتاری و رفتاری کم اتفاق نیفتاده است. در دهه هشتاد میلادی، بیش از ۳۰ نفر از تماشاگران در فینال یکی از بازی‌های جام باشگاه‌های اروپایی، کشته شدند. در کشور ما نیز، گفتار برخی از کسانی که به استادیوم فوتبال می‌روند، نازل و دل‌آزار است؛ به طوری که در برخی از موارد، اعتراض بازیکنانی را که مورد تعرض تماشاگران قرار گرفته‌اند، به همراه داشته است.

به نظر می‌رسد خرده فرهنگی در میان بخشی از کسانی که به ورزش علاقه دارند، در همه جای دنیا رایج است و این امر اختصاصی به ایران ندارد. این مدعا صبغه تجربی - توصیفی دارد؛ نه ارزشی و توصیه‌ای. به تعبیر دیگر، مسلماً سخن بر سر تأیید این خشونت‌های دل‌آزار گفتاری و رفتاری نیست؛ که بنا بر عموم نظریه‌های اخلاقی و شهودهای اخلاقی عرفی اکثر انسانها، چنین رفتارهایی مذموم و فرونیادنی است. اما، در عین حال نباید این امر را نادیده گرفت که چنین خرده فرهنگ‌هایی در بسیاری از کشورها دیده می‌شود؛ باید این پدیده را به رسمیت شناخت و آسیب‌شناسی کرد و تمام توش و توان فرهنگی خود را برای اصلاح و حداقلی کردن آن به کار گرفت. همچنین نباید آنرا تعمیم داد و شامل حال عموم مردم دانست؛ همانطور که با دیدن چنین صحنه‌هایی در بازی‌های هاکی روی یخ و یا اتفاقاتی که در برخی استادیوم‌ها رخ می‌دهد، چنین رفتارهایی را تعمیم نمی‌دهیم و درباره کانادایی‌ها و اروپایی‌ها، حکم کلی نمی‌کنیم و نباید هم اینگونه قضاوت کنیم. درباره ایرانیان نیز، با به رسمیت شناختن این معضل اخلاقی و فرهنگی و کوشش در راستای کمینه کردن آن، باید حدود و ثغور این پدیده را مشخص کرد و از تعمیم‌های بی‌جهت و داوری‌های ناموجه پرهیز کرد.